

الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)

سال پنجم، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

ص ۱۶۸-۱۴۹

## منجی موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام

مهین عرب \*

### چکیده

از روزگار کهن، اعتقاد به ظهور مصلح، اصلی اساسی بوده است. بسیاری از پیامبران پیشین، آمدن دیگری را وعده می‌داده‌اند. همچنین در سرتاسر بشارتها و اشارتهای پیشینیان، همواره سخنانی درباره «موعودآخرین» و «منجی آخرالزمان» با عناوینی همچون کالکی، بودای پنجم، سوشیانس، مسیحا، پسر انسان و... وجود دارد. البته گونه‌های مختلفی از اعتقاد به مصلح آخرین در ادیان دیده می‌شود. در یک جا، نجات بخش صرفاً یک مصلح اجتماعی است و در گونه دیگر فقط در صدد رستگاری معنوی افراد بشر است و در حالت سوم هر دو رسالت را به عهده می‌گیرد. از طرف دیگر موعود آخرین گاهی قوم‌گرا و گاهی در صد نجات تمام جهانیان است. هدف اصلی این پژوهش بررسی دیدگاه‌های ادیان بزرگ قبل از اسلام از جمله آئینهای زرتشتی، یهودیت، مسیحیت، هندو و بودائی در باب منجی موعود است. در این مقاله با استفاده از روش اسنادی و تحلیل محتوا و رجوع به کتب مقدس و منابع غالباً درجه اول، پس از مروری مختصر به برخی از بشارتهای گذشتگان و سخنان پیامبران الهی به تحلیل و گونه‌شناسی اندیشه موعود در این ادیان پرداخته شده است و ماحصل اینکه هر چند تعبیر و گونه‌های منجی باوری در ادیان مذکور متفاوت است لیکن یک نقطه اشتراک مهم در همه ادیان بزرگ وجود دارد و آن چیزی جز ایمان و امید به ظهور منجی آخرالزمان نیست.

### واژه‌های کلیدی

دین، منجی آخرالزمان، مسیحا، سوشیانس، بودای پنجم.

بسیار پیش آمده است که پیامبران پیشین برخی، آمدن مصلح

و منجی دیگری را وعده می‌داده‌اند. این امر، در میان پیامبران

مقدمه

مسئله «موعود» در تاریخ ادیان سابقه‌ای بسیار کهن دارد.

بزرگ بیشتر مشهور است و از طریق این وعده‌ها و بشارتها، در ذهنیت هر یک از امتهای موعودی مورد انتظار، شکل یافته است.

در آیات کتاب مقدس - تا آنجا که تحریف نیافته است - این بشارتها دیده می‌شود. از این نوع یکی بشارتهای حضرت موسای کلیم (ع) است که آمدن عیسی مسیح (ع) را بشارت داده بود. از این رو مردم سرزمینهای جلیل و یهود همواره در اشتیاق ظهور مسیح موعود بودند (حکیمی، ۱۳۷۶: ۹۶ و ۹۵). حضرت عیسی مسیح (ع) نیز آمدن پیامبر اکرم (ص) را بشارت داده بود و بدینگونه پیروان شریعت مسیح نیز منتظر موعود گشتند. در آئین مسیحیت این موعود به نام فارقلیط (لغت نامه دهخدا ذیل کلمه فارقلیط) مشهور است. فارقلیط معرب کلمه یونانی "پاراکتوس" است و به معنای (شفادهنده) و (شفیع) و راحت‌آور می‌باشد. عیسی (ع) به شاگردان خود وعده داد بود که پدرش (آب)، که اقنوم اول است) تسلی دهنده دیگری را میفرستد که همه چیز رابه آنان تعلیم خواهد داد (انجیل یوحنا، باب ۱۴: ۱۶-۲۶).

در قرآن کریم نیز از این بشارتها یاد شده است آنجا که می‌فرماید: "واذ قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول ا... الیکم مصداقاً لمابین یدی من التوراه و مبشراً برسول یاتی من بعدی اسمہ احمد فلما جاءهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین" (سوره صف آیه ۶).

"و هنگامی را که عیسی بن مریم مردم گفت: ای اسرائیلیان من فرستاده خدایم تورات را که پیش از من آورد شده است را قبول دارم. همچنین مژده‌ای دهم که پس از من پیامبری بیاید به نام احمد و چون این پیامبر آمد و دلایل آشکار آورد، نپذیرفتند و گفتند اینها سحری آشکار است."

در این سوره از پیامبر اکرم با نام "احمد" یاد شده است. در لغت نامه دهخدا آمده است که فارقلیط به معنای احمد نیز هست چنانکه خاتم النبیین تسلی دهنده و رحمت برای همه انسانها بوده است. لذا این آیه مبارکه بصراحت وجود بشارت به آمدن پیامبر اکرم (ص) را در انجیل اعلام می‌کند. حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) نیز در مناظراتی که

با علمای مسیحی روزگار خویش کردند بر پایه استناد به انجیل و وجود بشارت به ظهور پیامبر اکرم و خیر آمدن او در دین عیسی به زبان وی، نمودند. بدین ترتیب پیامبر اسلام خود به عنوان پیامبر آخرالزمان، "نجات دهنده"، "شفیع"، "خاتم پیامبران" و... در نزد پیشینیان، موعود بوده است. بشارتهای بسیاری هست که همه درباره طلوع خورشید اعظم اسلام و ظهور طلعت اقدس محمدی است (برای اطلاع بیشتر در این باب رجوع کنید به کتاب بشارت عهدین، از محمد صادقی، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۲).

لیکن در سرتاسر بشارتها و اشارتهای پیشینیان که از پیامبران و دیگر دانایان و فرزندانگن رسیده است، همواره سخنانی در باره "موعود آخرین" و "موعود آخرالزمان" گفته شده است. این سخنان وعده‌ها و بشارتها، همه و همه ناظر به قیام الهی منجی آخرالزمان است لذا هرگاه موعود گفته شود، منظور موعود نهایی است. از این موعود در دیانت‌های قدیم تعبیرهایی شده‌است و هر کدام به عنوانی از او یاد کرده‌اند که متعارف و آشنای مردمان خاص آن زمان بوده است همچنین نشانه‌ها و خصوصیات از او، آئین نجات بخش و علائم ظهور و وقایع پس از ظهور او در آثار کهن آمده است.

#### طرح مسأله:

در واقع با یک بررسی اجمالی در می‌ایم که مورد اتفاق‌ترین اصل اعتقاد در تعالیم فعلی ادیان بزرگ قبل از اسلام (که کم یا بیش از آموزه‌های اصلی الهی فاصله گرفته اند)، نه اعتقاد به خدای یگانه است (چرا که فی‌المثل در مسیحیت با تثلیث و در آیین زرتشت با نوعی از ثنویت مواجه خواهیم شد) و نه اشتراک کاملی در مورد معاد و نحوه زندگی پس از مرگ پیدا خواهیم نمود بلکه آن اعتقاد مشترک میان همه ادیان، ایمان و امید به ظهور مصلح نهایی و منجی آخرالزمان است که با یک انقلاب جهان شمول بساط ظلم و جور و پلیدی را از بن برخواهد کند. گرچه سیما و سیرت این آخرین منجی و شرایط ظهور او در اسلام به عنوان کاملترین دین الهی به دقیق‌ترین صورت با تکیه بر نصوص قرآنی و روایی ترسیم

منجی‌های آیین زرتشت به نام "سوشیانت" (Soshiant) یا "سوشیانس" (Saoshyant) به معنای "رهاننده" شناخته می‌شوند. در فرودین یشت، فقره ۱۲۹ می‌خوانیم: "او را از این جهت سوشیانت خوانند که به همه جهان مادی، منفعت و سود می‌رساند."

سوشیانت در سه مورد به صورت جمع بکار برده شده است، از جمله در گاتها (نخستین و مهم ترین بخش اوستا یسنا (Yasna) نام دارد که دارای ۷۲ باب (هات) است. ۱۷ باب اول سُورد هایی منسوب به خود زرتشت می‌باشند که به نام گاتها (Gatha) موسوم هستند) در هات ۳۴ فقره ۱۳ آمده است: "ای اهورامزدا آن راه نیک که به من نمودی همان راه آموزش رهاندگان است."

همچنین در هات ۴۸ فقره ۱۲ گفته شده است: "ای مزدا چنین خواهند بود رهاندگان سرزمین ها که با منش نیک خویشنداری می‌ورزند و کردارشان بر پایه خیر و نیکی و آموزه‌های توست، به راستی که آنان به در هم شکستن خشم برگماشته شده اند."

از دیگر فقرات گاتها چنین بر می‌آید که زرتشت واژه سوشیانت را به صورت جمع برای ایفای معنایی وسیع تر برای کسانی که پس از وی تا فرارسیدن فراشگرد خواهند آمد همچنین به معنای یاری دهنده نیز به کار برده است. در اوستا آمده است: "بشود که (ما هم چون) سوشیانت ها شویم، بشود که پیروز شویم، بشود که ما از دوستان ارجمند اهورامزدا شویم" (یسنا ۴، فقره ۷۱).

ظاهراً باور به منجی جهان، یعنی سوشیانت در دوره هخامنشی به باور انتظار برای سه منجی گسترش یافته است که هر یک از نطفه ی زرتشت و از زهدان مادری دوشیزه تولد می‌یافت، به نظر می‌رسد این تحول با چهارچوب هزاره گرای مرتبت بوده است. اعتقاد بر این بود که عمر جهان ۱۲۰۰۰ سال خواهد بود که به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم می‌گردد و خود زرتشت در اواخر سه هزاره سوم به دنیا آمده و وحی را دریافت داشته است. دوره وی زمان

شده است و همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی به ظهور ایشان اعتقاد محکمی دارند (رک: الامام المهدی عند اهل السنه، گرد آورنده مهدی فقیه ایمانی، انتشارات مکتبه الامام امیرالمومنین (ع) العامه، اصفهان). لیکن اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان مختص به اسلام و مسلمانان نیست بلکه در همه ادیان بزرگ الهی و حتی غیر الهی مانند آیین هندو بشارت های متعددی بر آمدن ایشان داده شده است و عجیب تر آنکه میان نصوص کتب مقدس این ادیان شباهت های غیر قابل انکار و بسیار واضحی به چشم می خورد.

پیشینه تحقیق: همانطور که اشاره شد بشارتهای فراوانی در همه کتب مقدس در ادیان بزرگ در مورد منجی موعود وجود دارد به همین دلیل اکثر محققین در حوزه مطالعات دین شناسی که به کاوش در ادیان و کتب مقدس پرداخته‌اند، از جمله جان بی ناس و بویس، به بحث موعود پرداخته‌اند و از آنجا که در ادیان کهن مانند آیین هندو و بودا، خدا (خدایان) و همچنین منجی حالت اسطوره‌ای پیدا نموده‌اند در تحقیقات اسطوره شناسی نیز به این مبحث پرداخته شده است. در مطالعات تطبیقی نیز، پژوهشهایی در این باب صورت گرفته است (از جمله کتاب بشارت عهدین) لیکن هنوز جای تحقیقی جامع در موضوع منجی شناسی در ادیان بزرگ خالی به نظر می‌رسد. لذا در این مقاله سعی شده است که با مراجعه به متون مقدس اصلی در ادیان بزرگ قبل از اسلام قدمی هر چند کوچک در این راستا برداشته شود.

#### موعود آخرین در منابع زردشتیان

دین زرتشت در میان ایرانیان، تا قبل از ظهور اسلام، غالب بوده است. آیین ظهور نجات دهنده ظاهراً از تعالیم خود زرتشت است... این باور از بانفوذترین اعتقادات زرتشتی است. همچنان که منجی باوری در شرق در آیین بودایی و در غرب در دین یهود و مسیحیت و حتی در آیین میترا پرستی و انواع فرقه‌های عرفانی نفوذ فراوانی دارد (بویس، ۱۳۷۶:

جالب این جاست که نسبت این زن به جناب زرتشت می‌رسد، پس ایشان هم از جانب مادر و هم از جانب پدر منتسب به زردتشت هستند (ابراهیم، ۱۳۸۱: ۳۶).

چون پایان جهان فرا رسد دوشیزه‌ای در دریاچه کانستویه شستشو خواهد کرد و از نطفه (خود، زرتشت) آستن خواهد شد و او در موعد معین پسری خواهد آورد بنام "استوت ارته" به معنای آنکه پارسایی را تجسم می‌بخشد (بویس، ۱۳۸۱: ۶۸). مطابق کلام خود زرتشت که گفته است: "بشنو که پارسایی را تجسم بخشد" (یسن ۴۳، فقره ۱۶).

"بدان هنگام که "استوت ارته" پیک مزدا آفریده، پسر ویسب تئوروتری از آب کیانی (دریاچه هامون) به در آید، گزری پیروزمند به دست دارد... استوت ارته بدین گرز دروغ را از گیتی بیرون خواهد یافت... استوت ارته با چشم خرد به همه آفریدگان بنگرد." (اوستا، یشت ها، کرده ی ۱۴، فقره ۹۲ و ۹۴).

بر طبق اوستا سوشیانس و یارانش دارای فره کیانی و واجد یک نیروی آسمانی‌اند که قابلیت‌های ویژه‌ای به ایشان می‌دهد (ر.ک: اوستا، زامیاد یشت، کرده ۱ تا ۱۵).

بنا بر تعاریف فروهر (Fravehar) (فره یا فره وشی) عبارت از یک "خود" آسمانی و یک اصل مینوی و علوی است. در متون زرتشتی انسان به واسطه داشتن فره یا فروهر یعنی جزء الهی با پروردگار در اتحاد بوده و جزئی از نور بزرگ ازلی آفریننده عظیم است (ابراهیم، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

"فر" یا "خورنه" جنبه لطف الهی داشته و زرتشتیان آنرا نماد توفیق و روحانیت می‌شمارند و تنها نصیب کسانی خواهد شد که مورد عنایت ایزدان باشد. صاحب آن دارای توانایی و سعادت بیش از اندازه خواهد شد (بویس، ۱۳۷۶: ۸۵).

سوشیانت که مظهر تمامی بشریت است نه تنها نطفه اش به گونه‌ای معجزه آسا بسته می‌شود، بلکه همانند پدرش (زرتشت) فر ایزدی یا خورنه همراه دارد (اوستا، یشت ۱۹، فقره ۸۹).

نیکی و پیشروی به سوی هدف نهایی آفرینش بود ولی از آن به بعد مردم آموزه‌های وی را از یاد می‌برند. هزار سال بعد نخستین منجی به نام "اوخشیت ارته" (Okshayat Ereta) به معنای "گسترنده پارسایی" بشارت پیامبر را احیا خواهد کرد. سپس هزار سال بعد از او دومین منجی به نام "اوخشیت نمه" (Okshayat Nemanke) به معنای "گسترنده نماز" پدیدار می‌شود. تاریخ تکرار خواهد شد و سرانجام در پایان آخرین هزاره بزرگترین منجی و سوشیانت یعنی "استوت ارته" (Ostvat Arata) ظهور خواهد نمود (بویس، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

این سه موعود به عنوان سه نقطه عطف دین زرتشتی محسوب می‌شوند، آنها بر طبق خیر و نیکی رفتار کرده و در عمل آن را تعلیم می‌دهند، ایشان حق نماز و تحیات به آستان اهورا مزدا را به جای می‌آورند و بر ضد اهریمن قیام نموده، او را در هم می‌شکنند و مردم را به راه راست آورده و دین را می‌گسترانند (دینکرد، فصل ۷، فقرات ۷ و ۷۵، به نقل از: ابراهیم، ۱۳۸۱: ۳۲).

لفظ "سوشیانس" ظاهراً به طور خاص متعلق به نفر سوم یعنی "استوت ارته" بوده و گاهی به صورت عام در مورد هر سه نفر ایشان استفاده می‌شود (پوردادوود، ۱۳۷۴: ۷).

آنجا که پای انتظارات آینده زرتشتیان به میان می‌آید، ظاهراً زرتشتیان ایران تنها چشم به راه آمدن یک سوشیانت هستند و می‌پندارند یاور اصلی او ایزد بهرام، خداوند پیروزی است (بویس، ۱۳۷۶: ۳۹۷).

در اوستا و متون پهلوی به سومین موعود که رهاننده اصلی و نهایی محسوب می‌شود با دیده خاصی نگریسته شده است. نام مادر وی "اردت فذری" (Eredat Fethri) و یا "ویسپ تئوروتری" (Vesip-Torveiry) می‌باشد و در باب سبب تسمیه وی به این عناوین آمده است که: "او پسری خواهد زایید که همه گزندهای دیوان و مردمان را دور خواهد کرد" (اوستا، فروردین تشت: ۱۴۲).

می‌گویند و به خود او که در راس سازندگان فرشگرد است "فرشگرد کردار" لقب می‌دهند (ابراهیم، ۱۳۸۱: ۶۳).

اوصاف این دنیای زیبا در بخش های مختلفی از اوستا مخصوصاً یسنا آمده است (ر.ک: اوستا، یسنا، فصل ۹، فقرات ۳۰، ۸۹-۹۱ و ۵۵-۵۶).

"... و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد، پس آنگاه ای مزدا کشورت را بهمن در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دست‌ها راستی سپرند، و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند..." (یسنا، هات ۴۶، فقره ۳) "و همه مردم دیندار شوند و سوشیانس را آنچنان که درخور نیرو و پیروزی اوست، بزرگ و ارجمند دارند." (دینکرد، فصل ۷۱، فقرات ۷ و ۴۵).

در کتاب جاماسب نامه در صفحه ۱۲۱ آمده است: گشتاسب پادشاه وقت می‌پرسد وقتی "سوشیانس" ظهور کرد چگونه فرمانروایی و دادستانی می‌کند و چگونه جهان را اداره خواهد کرد و چه آیینی دارد؟ جاماسب در پاسخ می‌گوید "سوشیانت (نجات دهنده بزرگ) دین را به جهان رواج می‌دهد مردم جهان را همفکر و همگفتار سازد." لازمه فرشگرد یا نوسازی جهان، نبرد با قوای اهریمنی و زشت کاری است و سپس سازمان دهی خرابی های گذشته و اصلاح امور انجام می‌گیرد. در کتاب دینکرد آمده است: "سوشیانس به همراه یارانش که همه زورمند و بلند بالا و فراخ‌شانه و ستر بازو و پر مو هستند، با دیوان و بدکاران نبرد کنند و تبهکاران از دیدن آن برومندان سیاهپوش به هراس افتند" (دینکرد، فصل ۷، فقرات ۷ و ۴۵). "یاران استوت ارته پیروزمندانه به در آیند، نیک اندیش و نیک گفتار و نیک کردار و نیک دین..." (اوستا، یشت‌ها، کرده ۱۴، فقره ۹۵).

طبق پیشگویی اوستا، جهان پیرو خیر و نیکی می‌شود. دروغ و دیوان پلید نیز به جایی رانده می‌شوند که از آنجا آمده اند (اوستا، زامیادیش، کرده ۱).

در ادامه آمده است: "منش بد شکست یابد و منش نیک بر آن چیره شود... اهریمن ناتوان بدکنش، رو در گریز نهد"

در جای جای اوستای نو (کل مجموعه اوستا منهای گاتها)، "فروهر" - روح الهی - وجود این سه منجی ستایش شده است و بر آنان درود فرستاده‌اند. از جمله در یسنا، هات ۲۴، فقره ۵ آمده است: "ما می‌ستاییم فروهر مقدس در گذشتگان پاک دین را و فروهرهای پاک دینانی که در حیات هستند و فروهر مردانی که هنوز متولد نشده‌اند و سوشنانس‌های نو کننده جهان خواهند بود." یا در فروردین یشت از اوستا فقره ۱۲۸ می‌گوید: "فروهر پاک دین اوخشیت ارته را می‌ستاییم، فروهر پاک دین اوخشیت نمنگه را می‌ستاییم، فروهر پاک دین استوت ارته را می‌ستاییم."

در اوستا در ستایش خورنه می‌خوانیم: "فر کیانی نیرومند مزدا آفریده را می‌ستاییم... فری که از آن سوشیانت پیروزمند و دیگر یاران اوست. بدان هنگام که گیتی را نو کنند (اوستا، یشت ۱۹، فقرات ۸۷ و ۸۸).

از آنجا که "استوت ارته" نقطه اوج کمال آدمی است، هر یک از بخش‌های فهرست بلند بالای نیکان (اشونان) فروردین یشت با ستایش فروشی او پایان می‌گیرد (ر.ک: یشت ۱۳، فقرات ۱۱۰، ۱۱۳ و ۱۱۷).

در مجموعه کتاب‌های روایی و تفسیری پهلوی چند کتاب وجود دارد که برای زرتشتیان اهمیت ویژه‌ای دارند، نمونه هایی چون دایره المعارف بزرگ "دینکرد" (Dinkerd) که به زبان پهلوی است و همچنین کتاب "بندهش" (Bondesh) که به دو متن ایرانی و هندی موجود است.

با این توضیح اشاره ای مختصر به برخی روایات موجود در کتاب دینکرد (به نقل از کتاب مهدویت در اسلام و دین زرتشت) پیرامون موعود مزدیسنا می‌کنیم.

در کتاب نهم دینکرد آمده است: "من - یعنی اهورامزدا - عامل نوسازی (جهان) را خلق نموده‌ام، سازنده و بر پادارنده نیکی و عدالت و پرهیزگاری، سوشیانس را، با آن شکوه و جلالی که چشمان همه را خیره کند" (فصل ۳۳، فقره ۱).

اصطلاحاً در متون زرتشتی جهان ساخته و پرداخته آخرین منجی (سوشیانس) را "فرشگرد" (Fraso-karati)

(اوستا، یشت ۱۹، فقرات ۹۲ و ۹۶).

همچنین در بندهش آمده است: "محللی که اهریمن از آن آمده و به دنیای انسانی قدم گذاشته پس از رفتن او با فلز گذاخته مسدود می‌شود" (بندهش ایرانی: ۱۴۸).

همچنین دسته‌ای از قوای علوی و آسمانی سوشیانس را در این نبرد یاری می‌کنند. در اوستا آمده است: "کسی را که برای بازداشتن دشمن دین مزدپرستی از (یاوری) آنان- هفت امشاسبند- یعنی فرشته‌های مقرب الهی بهره مند شود را می‌ستاییم" (اوستا، هفتین یشت کوچک: ۱۲).

در مورد نقش مردم در قیام منجی نیز در گاتها تسریع شده است که: "انسان باید با دیوان و مردمان پیرو آنها دشمنی ورزیده و راهش را از کسی که اهورامزدا او را خوار می‌شمارد جدا کند و چنین کسی است که در مورد اهورامزدا و رهانندگان دانا و یاوران دین پاک، نیک می‌اندیشد و مزدا او را دوست و برادر، بلکه پدر خواهد بود" (اوستا، گاتها، فقرات ۱۱ و ۴۵)

اعتقاد به ظهور سوشیانس در میان ملت ایران باستان به قدری رایج بود که در شکستهای جنگی و فراز و نشیبهای زندگی با یادآوری ظهور او خود را از یأس و ناامیدی نجات می‌دادند. در جنگ قادسیه پس از درگذشت «رستم فرخزاد» سردار نامی ایران، هنگامی که یزدگرد با کسان خود آماده فرار می‌شد، به هنگام خارج شدن از کاخ پر شکوه مداین، ایوان مجلل خود را خطاب کرد و گفت: «هان ای ایوان درود من بر تو باد من هم اکنون از تو روی می‌تابم تا آنگاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور او فرا نرسیده است بسوی تو برگردم» (صادقی، ۱۳۶۲: ۱۷).

#### موعود نجات بخش در عهد عتیق

از روزی که رومیان قدم به خاک یهود نهادند آن ملت مغلوب به امید نجات دهنده‌ای از غیب انواع شداید و مظالم را تحمل می‌کردند و منتظر ظهور منجی بودند. در آثار دینی یهود یعنی اسفار تورات و دیگر کتابهای انبیای آنان همواره، به موعود اشاره شده است. اگر در مجموع آنچه در آثار مقدس یهودی آمده است تامل شود، چهره سه موعود، در

آنها ترسیم می‌شود:

حضرت مسیح (ع)

حضرت محمد (ص)

حضرت منجی آخرالزمان (عج)

با این حساب، انتظار در یهودیت کیفیتی ویژه می‌یابد و چون این قوم، نه به حضرت مسیح و نه بر حضرت محمد به هیچ کدام نگرویدند، به طبع موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. لذا در بحث موعود، بسیار حساس هستند و شاید بیشتر از سایر اقوام به انتظار و آمادگی برای ظهور فکری کنند (حکیمی، ۱۳۷۶: ۵۵).

در آیین یهود منجی با عنوان "ماشیح" ("Messiah") که از لغت عبری "Mashihk" مشتق شده است) شناخته می‌شود که به معنی کسی است که به وسیله خدا برای پادشاهی تدهین و غسل داده شده است و یهودیان را به سرزمین موعودشان باز می‌گرداند و دوران طلایی را آغاز می‌کند (The World Religions Reader, P.3). اعتقاد به منجی اغلب به کسی اشاره می‌کند که به وسیله خداوند برای نقشی حیاتی در وقایع و جریانات آخرالزمان انتخاب شده است. ظهور منجی از یک عصر اتوپایی خبر می‌دهد. برای بسیاری از یهودیان این به معنای پادشاهی خداوند و یا پادشاهی بهشتی است. در بسیاری از موارد عصر اتوپایی بعد از دوره‌ای با ظلم و جور و بحرانهای شدید به وقوع خواهد پیوست. دورانی از رنجها و فجایع بزرگ غالباً به عنوان علامتی از نزدیک بودن ظهور منجی در نظر گرفته می‌شود. جنبشهای منجی گرایانه اغلب زمانی که مردم تصور می‌کنند که دنیایشان قرار است پاره پاره شود و یا مورد تهاجم قرار گیرد، بروز پیدا می‌کند. براساس تلمود چنین اوقاتی نشان دهنده جای پای منجی است (Encyclopedia of Millennialism and Millennial of Movements, p.245).

بدین ترتیب ظهور مسیحا چنان که در کتب عهد عتیق آمده است، عبارت است از این معناست که در آخر الزمان، حق تعالی جهان را دگرگون خواهد فرمود و صالحان و ابرار

برخاست و آن زمان ننگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده و در آن زمان هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد. آنان که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالابد. اما تو ای دانیال! کلام مخفی دار و کتاب را تا آن زمان پوشیده دار. بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود... خوشا به حال آنانکه انتظار کشند" (باب ۱۲، بند ۱ تا ۴).

در باب ۷ بند ۱۴ کتاب دانیال نبی نیز آمده است: "پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قومها و امتهای او را خدمت نمایند."

علائم ظهور منجی نزد یهودیان چنین است:

"و ملکوت و سلطنت و حشمت مملکتی که زیر تمامی آسمانهاست به قوم مقدسان حضرت اعلیٰ داده خواهد شد که ملکوت او ملکوت جاودانی است و جمیع ممالک او را عبادت و اطاعت خواهند نمود" (دانیال ۷، بند ۲۷).

۳- در کتاب حکمی نبی باب ۲ بند ۷ چنین آمده است که:

"تمامی امم را به هیجان می‌آورم و مرغوب همگی طوائف خواهد آمد و پر می‌کنم این خانه را از جلال، امر خدای لشگرهاست"

۴- همچنین در کتاب صفنیای نبی باب ۳ پس از آنکه در بند ۶ می‌فرماید:

"به منظور گرد آوری تمامی طوائف زمین بر یک دین حق سلاطین و دول مختلفه را نابود کنم... آنوقت برگردانیم به قومها لب پاکیزه، برای خواندن همه، به نام خدای و عبادت کردن ایشان به یک روش."

۵- در کتاب اشعیاء نبی آمده است:

"و در ایام آخر واقع خواهد شد... جمیع امتهای به سوی آن روان خواهند شد... او امتهای را داوری خواهد نمود و قومهای بسیاری را تنبیه خواهد کرد... امتی بر امتی شمشیر نخواهد

از ظالمان و اشرار جدا خواهند شد و این روزگار پر از ظلم و جور به پایان خواهد رسید. این پیروزی در آثار یهود به رهبری ماشیح با القابی مانند "فرزند متخب داود" انجام می‌شود. بدین ترتیب اندیشه ساده مسیحا از جنگاوری که قوم را در برابر بیگانه حفظ خواهد کرد، تحول یافت و به انتظار قیام پادشاهی بزرگ و شکوهمند از خاندان داود مبدل گشت که به فرمان الهی و با دمیده شدن روح خدا در او حکومت شایسته‌ای را بر تپه صهیون برپا خواهد کرد. آن سرزمین در همه جهان نمونه خواهد شد و ملتها برای آموختن راههای الهی به آن جا رهسپار خواهد شد (کریستون، ۱۳۷۷: ۳۰).

در پایان حکومت آخرین حاکم ظالم، یک کرنای آسمانی به صدا در می‌آید و منجی سوار بر ابرها با گروهی از ملائک در افق نمودار می‌شود آن وجود آسمانی که شباهت صوری با بنی آدم دارد به پسر انسان و القاب دیگر مانند مسیح و یا فرزند برگزیده داود ملقب است. او را قاضی عادل و سلطان صلح می‌دانند پس مردگان از گورها برخاسته، با زندگان و نیکوکاران صف واحدی تشکیل داده به مسیح می‌پیوندند (مشکور، ۱۳۸۰: ۱۳۷ و ۱۳۸).

اینک اشاراتی از چند کتاب عهد عتیق که در آنها سخنانی درباره موعود است:

۱- در تورات، سفر پیدایش بند ۱۰ و ۴۲ آمده که: "عصای قدرت و سلطنت یهود دور نخواهد شد و نه فرمانروایی از میان پاهای دی تا شیلو بیاید و او را اطاعت امتهای خواهد بود" (شیلو کسی است که دارای حق است و صلح و سلامتی می‌آورد).

۲- صحیفه "دانیال نبی" که مشتمل بر یاد ایام گذشته و تاریخ باستانی است و از دوره اسارت بابل سخن می‌گوید، بشارت می‌دهد که دنیای پر از آفت و شر، به پایان خواهد رسید.

در کتاب دانیال نبی می‌خوانیم که خداوند خطاب به حضرت دانیال می‌فرماید: "و در زمان میکائیل، امیر عظیمی که برای پسران قوم تو "ایستاده" (قائم) است، خواهد

زکریای نبی، باب چهاردهم، بندهای (۷ و ۸). جالب اینکه در این فراز که از تورات نقل کردیم یوم الله بودن آن روز و جهانی شدن کلمه توحید مورد تأکید قرار گرفته است.

۷- در کتاب حزقیال نبی در مورد منجی آخرالزمان و سرنوشت اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید خبرهایی آمده است:

"... و اما تو ای پسر انسان خداوند یهوه چنین می‌فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید... خداوند یهوه می‌گوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد و من جلال خود را در میان امت‌ها قرار خواهم داد و امت‌ها داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که بر ایشان فرود خواهم آورد، مشاهده خواهند نمود... (تورات، کتاب حزقیال نبی، ص ۱۲۶۵ باب ۳۹، بند ۱۷-۲۳).

۸- در کتاب حجی نبی:

"و تمامی امتها را متزلزل خواهم ساخت و فضیلت جمیع امتها خواهند آمد... این خانه را از جلال پر خواهم ساخت... جلال آخر این خانه از جلال نخستینش عظیمتر خواهد بود" (عهد عتیق، کتاب حجی نبی، باب ۲، بندهای ۷-۹).

۹- در کتاب حبقوق نبی آمده است که:

"اگرچه تاخیر نماید برایش منتظر باش زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود، بلکه امتها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قومها را برای خویش فراهم می‌آورد... زیرا که در آن زمان، زبان پاک به امتها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه را بخوانند و به یک دل او را عبادت کنند" (باب ۳، بند ۸). همچنین: "زیرا که جهان از معرفت جلال خداوند مملو خواهد شد به نحوی که آنها دریا را مستور می‌سازد" (باب ۲ بند ۱۴).

۱۰- در قدیش که مشهورترین قسمت نماز یهودیان بعد از شمع اسرائیل است برای ظهور منجی عالم «ماشیح» دعا شده است که در ذیل اشاره می‌شود:

«نام "خداوند" بزرگ و مقدس است (آمین). در جهانی که

کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت" (کتاب اشعیا، نبی، باب دوم، بندهای ۲-۴).

"بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود... کمربند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ بابرغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند" (همان، باب ۱۱، بندهای ۱۶-۱۸).

"طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهند کرد. زیرا جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آبهای که دریا را می‌پوشاند" (همان، باب ۱۱، بندهای ۸-۹).

"آن گاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد و عدالت در بوستان مقیم خواهد گردید و عمل عدالت سلامتی، و نتیجه عدالت آرامی و اطمینان خواهد بود تا ابدالابد. و قوم من بر مسکن سلامتی و در مسکن مطمئن و در منزلهای آرامی ساکن خواهند شد" (همان، باب ۳۲، بندهای ۱۶-۱۸).

"برگزیدگان من از عمل دستهای خود تمتع خواهند برد، زحمت بی جا نخواهند کشید، اولاد به جهت اضطراب نخواهند زایید. زیرا که اولاد برکت یافتگان خداوند هستند و ذریت ایشان با ایشانند. و قبل از آن که بخوانند من جواب خواهم داد. و پیش از آن که سخن بگویند من خواهم شنید. گرگ و بره با هم خواهند چرید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و خوراک مار خاک خواهد بود. خداوند می‌گوید که در تمامی کوه مقدس من ضرر نخواهند رسانید و فساد نخواهند کرد" (همان، باب ۶۵، بندهای ۲۳ و ۲۵).

۶- در کتاب زکریای نبی آمده است:

"و خداوند بیرون آمده با آن قومها مقاتله خواهد نمود، چنانکه در روز جنگ مقاتله نمود و در آن روز پای‌های او بر کوه زیتون که از طرف مشرق مقابل اورشلیم است، خواهد ایستاد... و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود... و یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود... (عهد عتیق، کتاب



(Mazameer) در لابلای "عهد عتیق" آمده است لیکن با توجه به اینکه مطالبی در قرآن کریم پیرامون حکومت صالحان از زبور نقل کرده که در زبور فعلی عیناً موجود است و از تحریف مصون مانده است لذا به اشارتهای این کتاب، جداگانه پرداخته شده است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون" و "علاوه بر ذکر تورات در زبور نوشتیم، بندگان صالحان من وارث زمین خواهند شد" (سوره انبیاء آیه ۱۰۵).

در زبور اشاره‌های متعددی به ظهور آن حضرت و نوبدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین مستقیم موجود است.

اینک متن زبور:

۱- زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد زیرا که بازوان شریر شکسته خواهند شد و اما صالحان را خداوند تأیید می‌کند. خداوند روزهای کاهمداران را می‌داند و میراث آنها خواهد بود تا ابد الابد." (زبور، مرموز ۳۷).

۲- در فصل دیگر می‌فرماید: "... قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هر چه در آن است به وجود آیند. آن گاه تمام درختان ترنم خواهند نمود به حضور خداوند دیار که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد... زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد، امام ملعونان وی منقطع خواهند شد صدیقان وارث زمین شده ابداً در آن ساکن خواهند شد" (زبور، مرموز ۲۲ و ۲۹).

۳- "به خداوند پناه بر راهش را نگاه دار که تو را به وراثت زمین بلند خواهد کرد و در وقت منقطع شدن شریران این

با رضایت خودش خلق نموده و سلطنت خود را بر آن استوار کرده است نجات انسانها را فراهم و ظهور ماشیح (مهدی موعود) را تسریع فرماید (آمین) دعا کنیم که در ایام زندگی ما و در دوران حیات جمیع افراد یهود بزودی و در زمانی نزدیک (ظهور ماشیح) اتفاق افتد (آمین). نام بزرگ "خداوند" در این جهان و در دنیای باقی متبارک است. نام مقدس او متبارک، ممدوح، مفتخر و بلند مرتبه برگزیده و مجلل و مورد تهلیل می‌باشد (آمین)...

در کتاب عاموس نبی (عهد عتیق، کتاب عاموس نبی، باب ۴ بندهای ۱۲ و ۱۳)، هوشع نبی (عهد عتیق، کتاب هوشع نبی، باب ۵ بندهای ۱۴ و ۱۵)، سلیمان نبی (باب ۲) و محوئیل نبی (باب ۲ و ۳) نیز از ظهور منجی و داوری آن حضرت سخن به میان آمده است مراجعه فرمائید.

همچنین در طومارهای بحر میت که به یکی از فرقه‌های یهودی (احتمالاً فرقه اسنی) دوران شاید اسنی یا فرقه ای نزدیک بدان تعلق داشته و در سال ۱۹۴۷ در ناحیه خربه کمران فلسطین در سواحل شمال غربی بحر میت از زیر خاک بیرون آمده است روز داوری و روز خداوند بسیار نزدیک تصور می‌شود و جامعه هر لحظه باید منتظر فرا رسیدن آن باشد.

یکی از این طومارها که جنگ فرزندان نور با فرزندان ظلمت نام دارد شرح جنگ بزرگی است که در آخرالزمان میان نیروهای خیر و شر در می‌گیرد و سرانجام پس از ۴۰ سال فرزندان نور به یاری خداوند و فرشتگان بر فرزندان ظلمت و نیروهای شیطانی که سپاه یاجوج و ماجوج نیز در شمار آنها است غالب می‌شوند. در طومار دیگری به آفت‌ها و بلاهایی که از هجوم نیروهای شیطانی پیش از مغلوب شدن بر جهان وارد می‌شود و نیز به داوری بزرگ و پاک شدن جهان از گناه و فساد و مرگ و نو شدن هستی اشاره شده است (دانیلو، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

#### منجی آخرالزمان در زبور داود(ع)

با اینکه زبور داود (ع) تحت عنوان "مزامیر"

این معنا لغات آخرالزمان و نبوت ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند خصوصا اینکه پیامبران، بطور مشخص، این اعتقاد را ترویج کرده‌اند.

مسیحیان هزاره‌گرا، ظهور و بازگشت حضرت مسیح را مقدمه آخرالزمان قلمداد می‌کنند، هزاره‌ای که حضرت مسیح به مدت هزار سال حکومت خواهد کرد ( Encyclopedia of Millennialism and Millennial of Movements, p.25).

اسطور هزاره، داستان روزهای واپسین بشریت است، زمانی که خدا شیطان را نابود می‌سازد و رستگاری را برای مردم به ارمغان می‌آورد و یک بهشت و یک زمین جدید را در یک هزاره روحانی بنیان می‌دهد. اسطوره هزاره به عنوان مدلی برای جریان کنونی، تصویر کلان تاریخ و سرنوشت بشر را بیان می‌کند تا آنجا که نوعی از خودآگاهی با ارزشهای مطلق و مقدس اعمال انسان را هدایت کرده و تاریخ بشر را جهت بخشد (Ibid, p.255).

در مسیحیت دو دیدگاه درباب اصلاحات مربوط به آخرالزمان وجود دارد. در یک دیدگاه، برخی اشخاص و گروه‌ها به عنوان شیطان مجسم قلمداد می‌شوند. پیروان این دیدگاه به دنبال مشخص کردن افرادی هستند که در گروه شیطان قرار دارند. اما نظر دیگر با دید معتدل تری از عقیده به آخرالزمان توسط مسیحیانی ابراز می‌گردد که ظهور شیطان را در انگیزه و تمایل افراد به سلطه طلبی و ستمگری می‌دانند. این گروه به آزادی ستم دیدگان در آن دوره عقیده دارند. این دو ترجمان وجود شکاف عمیقی در مسیحیت را نشان می‌دهد (Ibid, p.28).

بشارتهای بسیاری درباره موعود آخرالزمان در کتابهای مقدس این آیین آمده است. موعود آخر الزمان بیشتر در انجیل با عنوان "پسر انسان" ذکر شده است که این تعبیر بیش از ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن تکرار شده که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی قابل تطبیق است و ۵۰ مورد دیگر آن از نجات دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و عیسی نیز با او خواهد آمد و او را

راخواهی دید اما عاصیان مستأصل و عاقبت شریران منقطع خواهند شد" (زبور، مرموز ۳۴ و ۳۸).

۴- در مزمور ۷۲ زبور، آن حضرت به عنوان ملک زاده که بزرگترین و کاملترین مظهر عدل الهی است معرفی شده و به امتیازات وی اشاره کرده می‌فرماید: ای خدا شرع و احکام خود را به ملک و عدالت خود را به ملک زاده عطا فرما.

این که قوم تو را به عدالت و فقرا تو را به انصاف حکم نماید.

به قوم کورها سلامت و به مظلومین عدالت برساند.

فقیران قوم را حکم نماید و پسران مسکینان را نجات دهد.

بر گیاه بریده شده مثل باران و مانند امطار که زمین را سیراب می‌گرداند خواهد بارید.

از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصای زمین سلطنت خواهد نمود.

صحرائشیمان در حضورش خم خواهند شد و دشمنانش خاک را خواهند بوسید...

زیرا فقیر را وقتی که فریاد می‌کند و مسکین را، که نصرت کننده ندارد، خلاصی خواهد داد.

و به ذلیل و محتاج ترحم خواهد فرمود و جانهای مسکینان را نجات خواهد داد...

اسم او ابد بماند اسمش مثل آفتاب باقی بماند بر او مردمان برکت خواهند یافت و تمامی قبائل او را خجسته خواهند گفت.

نویدهای منجی آخرالزمان در زبور بسیار است و در بیش از سی و پنج بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه آن موجود است (محمد صادقی، ۱۳۶۲: ۲۳۸).

#### موعود آخرالزمان در عهد جدید

در مسیحیت لغت آخرالزمان (لغت آخرالزمان از ریشه یونانی Apocalypses گرفته شده است) که به معنی آشکار شدن اطلاعات پنهان یا بروز دانش نهانی است، به این مفهوم که باطن جریانات بشری را آشکار می‌نماید. همچنین ایده آخرالزمان به وحی و الهام الهی نیز معنا شده است. بر اساس

در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. اما آن چه به شما می‌گویم به همه می‌گویم، بیدار باشید" (کتاب مقدس، انجیل مرقس، باب ۱۳ بند ۷۷).

### ۳- در انجیل لوقا آمده‌است:

- " زیرا هر که از من و کلام من عار دارد پسر انسان نیز وقتی که در جلال خود و جلال پدر و ملائکه مقدسه آید از او عار خواهد داشت لیکن هر آینه به شما می‌گویم که بعضی از حاضرین در اینجا هستند که تا ملکوت خدا را نبینند ذائقه موت را نخواهند چشید" (کتاب مقدس، انجیل لوقا، باب ۹، بندهای ۲۶ و ۲۷).

- "پس خود را حفظ کنید، مبادا دل‌های شما از پرخوری و مستی و اندیشه‌های دنیوی سنگین گردد و آن روز ناگهان بر شما آید، زیرا که مثل دامی بر جمیع سکنه روی زمین خواهد آمد. پس در هر وقت دعا کرده بیدار باشید تا شایسته آن شوید که از جمیع این چیزهائی که به وقوع خواهد پیوست نجات یابید و درحضور پسرانسان بایستید" (انجیل لوقا، باب ۲۱ بندهای ۳۴ - ۳۶).

- "و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود، و بر زمین تنگی و حیرت از برای امتها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد، از خوف و انتظار آن وقایعی که بربرع مسکون ظاهر می‌شود، زیرا قوت آسمان متزلزل خواهد شد. آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید" (همان، باب ۲۱، بندهای ۲۵ - ۲۷).

### ۴- در انجیل یوحنا می‌خوانیم:

- " و پدر قدرت بخشیده است که داوری هم بکند، زیرا که پسر انسان است و از این تعجب می‌کند، زیرا ساعتی می‌آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می‌باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهد آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری (کتاب مقدس، انجیل یوحنا، باب ۵، بندهای ۲۶ تا

جلال خواهد داد (قاموس کتاب مقدس، ماده پسر: ۲۱۸)؛ و اینک قسمتهائی از متن اناجیل و سایر کتب مقدس عهد جدید:

۱ - در انجیل متی، نویدهایی مبنی بر ظهور منجی آخرالزمان آمده‌است، از آن جمله:

- "پس اگر شما را گویند اینک در صحرا است بیرون مروید، یا آنکه در خلوت است باور مکنید. زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان ظاهر گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید" (انجیل متی، باب ۲۴، بندهای ۲۶ و ۲۷ و ۳۰).

- " اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آنگاه بر کرسی جلال خویش خواهد نشست و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند، به قسمی که شبان میشها را از هم جدا می‌کند" (همان، باب ۲۵، بندهای ۳۱ و ۳۲).

- "عیسی ایشان را گفت: هر آینه به شما می‌گویم: شما که مرا متابعت نموده‌اید، وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته بر دوازده سبط داوری خواهید نمود. و هر که به خاطر اسم من خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمینها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیاتی جاودانی خواهد گشت" (همان، باب ۹، بندهای ۲۸ و ۲۹).

۲ - در انجیل مرقس: "... از آن روز و ساعت، غیر از پدر، هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذار و خادمان خود را قدرت داده، هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید زیرا نمی‌دانید که چه وقت صاحب خانه می‌آید.

(۲۹).

- "و من از پدر سوال می‌کنم و تسلی دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما باشد. یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و او را نمی‌شناسند، اما شما او را می‌شناسید زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود" (همان، باب ۱۴، بند ۱۷).

- "روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او بر من شهادت خواهد داد و شما نیز شهادت خواهید داد، زیرا که از ابتدا با من بوده‌اید" (همان، باب ۱۶، بند ۲۷).

در کتاب اعمال رسولان آمده است: "و چون دین را گفت، وقتی که ایشان همی نگریستند بالا برده شد و ابری او را از چشمان ایشان در ربود. و چون به سوی آسمان چشم دوخته بودند، هنگامی که او می‌رفت ناگاه دو مرد سفید پوش نزد ایشان ایستاده، گفتند: ای مردان جلیل چرا ایستاده به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد باز خواهد آمد، به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید" (کتاب مقدس، اعمال رسولان، باب ۱: ۱۸۷)

#### مکاشفه یوحنا:

در عهد جدید شرح وقایع آخرالزمان از همه جا مفصل‌تر در کتاب مکاشفه یوحنا (مکاشفه یوحنا در اواخر قرن اول میلادی نوشته شده شامل روایاها و مکاشفاتی درباره پایان جهان است که غالباً به صورت تمثیل‌های عجیب از آن گونه که در کتاب دانیال نبی دیده می‌شود بیان شده است و تصویری از شهر آسمانی که جایگاه مؤمنان و رستگاران است ارائه می‌دهد) آمده است. براساس مطالب این کتاب پیش از رجعت عیسی مرگ، جنگ و کشتار، قحط و خشکسالی روی می‌دهد. سپس مسیح با سپاهی از فرشتگان از آسمان فرود می‌آید، آنان که جهان را به فساد کشیده‌اند و نیز دجال و پیروانش مغلوب و نابود می‌شوند دجال در دریای آتش افکنده می‌شود و پرندگان از خون و گوشت جباران و بدکاران سیر می‌شوند. چون قدرت‌های شیطانی نابود شدند، شهیدان زنده می‌شوند و مسیح بر جهان حکومت می‌کند و

صلح و خیر و برکت در جهان برقرار می‌گردد. در این کتاب می‌خوانیم:

- "و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد. زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پای هایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است و آبستن بوده، از درد و عذاب زاییدن فریاد بر می‌آورد. و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک ازدهای بزرگ آتش گون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهای هفت افسر و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده آن‌ها را بر زمین می‌ریخت و ازدها پیش آن زن - که می‌زایید - بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد. پس پسر نرینه را زایید که همه امت‌های زمین را به عصای آهنین حکم خواهد کرد..." (کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا، باب ۱۲، بند ۵ تا ۱).

- "و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌نماید... و لشگرهایی که در آسمانند بر اسبهای سفید و به کتان سفید و پاک ملیس از عقب او می‌آمدند... و امتهای او را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود" (همان، باب ۱۹، بندهای ۱۱ و ۱۵).

با اندکی تأمل در جملات مذکور، این نتیجه به دست می‌آید که شخص مورد بشارت در مکاشفه یاد شده، بزرگترین موعود جهان است (صادقی: ۲۶۵).

در رساله اول یوحنا رسول آمده است:

- "ایمان این فرزندان در او ثابت نماند تا چون ظاهر شود اعتماد داشته باشیم و در هنگام ظهورش از وی خجل نشویم" (باب ۲ بند ۲۸).

- "...لکن می‌دانیم چون او ظاهر شود مانند او خواهیم بود، زیرا او را چنان که هست خواهیم دید. و هرکس که این امید را بر وی دارد خود را پاک می‌سازد، چنانکه او پاک است" (رساله اول یوحنا رسول، باب ۳، بندهای ۲ و ۳).

در رساله‌های پولس رسول می‌خوانیم:

- "لذا پیش از وقت به چیزی حکم نکنید، تا خداوند بیاید که خفایای ظلمت را روشن خواهد کرد و نیت‌های دلها را به

نمی‌آید لیکن اولاً به لحاظ قدمت تاریخی و همچنین به دلیل کثرت پیروان مناسب است اشاره‌ای هر چند کوتاه در مبحث مصلح جهانی از دیدگاه ایشان داشته باشیم. در کتابهای مقدسی که در میان هندیان به عنوان کتابهای آسمانی شناخته شده است تصریحات زیادی به آخرین موعود شده است.

مقدمتاً لازم به ذکر است که در آیین هندو که در سراسر هند مورد قبول برهمنان است سه خدا مورد پرستش قرار می‌گیرند که به آن‌ها به زبان سانسکریت تریمورتی گویند که عبارتند از:

برهما (Brahma) یعنی خدای خالق و آفریدگار کل.

شیوا (Shiva) یعنی خدای مرگ و مهلک کل.

ویشنو (Vishnu) یعنی خدای زندگی و حافظ کل.

در آیین هندو، منجی آخرالزمان دهمین جلوه یا تجلی ویشنو بشمار می‌رود با این توضیح که در این آیین خدای ویشنو منشاء خیرات و مظهر کامل مهر و محبت و لطف الهی است. هندوان معتقدند که خدایان و اهریمنان دو قطب رو در روی هم هستند و زمانی که بدی از نیکی پیشی گیرد تعادل به هم می‌خورد چنین دورانی برای انسان، دوران نا مطلوب و زمانی است که ویشنو چون پاسدار جهان نزول می‌کند و برای برانداختن بدی به شکل یک انسان و یا موجودات دیگر ظاهر می‌گردد (در کتب هندیان حکایات و داستانهای فراوانی در مورد تجلیات متعدد ویشنو وجود دارد). ایشان معتقدند که ویشنو در دهمین تجلی خود به هیئت پهلوانی بزرگ متجلی و به زمین نزول می‌کند تا انسان و جهان را نجات دهد، خطا کاران را نابود و حکومت قانون را برقرار سازد (ایونس، ۱۳۷۳: ۸۱).

دهمین و آخرین تجلی ویشنو با نام کالکی (Kalki) در نزد هندوان شناخته می‌شود که به نحو استواری با اصل "ادوار جهانی" و مفهوم "کالی یوگا" (Kaly-yuga) یا عصر کلی که آخرین دوران از ادوار چهارگانه جهان هندوست، ربط پیدا می‌کند.

از نظر هندوان چرخه جهان از چهار دوران ساخته شده

ظهور خواهد آورد، آن گاه هر کس را مدح از خدا خواهد بود" (رساله اول پولس رسول به قرنتیان، باب ۴، بند ۵).

- "به جنگ نیکو جنگ کردم و دوره خود را به کمال رسانیده، ایمان را محفوظ داشتم. بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است که خداوند داور عادل در آن روز به من خواهد داد و نه به من فقط بلکه نیز به همه کسانی که ظهور او را دوست می‌دارند" (رساله دوم پولس رسول به تیمو تائوس، باب ۴، بندهای ۷ و ۸).

- "و آنکه برای حکمرانی امتهای مبعوث شود، امید امتهای بر وی خواهد بود" (جالب اینکه در ترجمه عربی انجیل، که از طرف انجمن پخش کتب مقدسه به عربی برگردان و در نیویورک به طبع رسیده است، تعبیر "قائم" وجود دارد و چنین آمده است: "...والقائم، لسود علی الامم، علیه سیکون رجاء الامم" (رساله بولس الرسول الی اهل ارومیه، الاصحاح الخامس عشر، رقم اثنی عشر، رساله پولس به رومیان، باب ۱۵ بند ۱۲).

بدین ترتیب شاید بتوان گفت یکی از محورهای اصلی تعلیمات عیسی بشارت، نجات و فرجام شناسی اوست. امروز در این که جوهر پیام عیسی نوید و بشارت تحقق ملکوت خداست توافق کلی برقرار است لیکن در چگونگی تفسیر آن اختلاف نظر وجود دارد و در مجامع علمی مسیحیت بحث بر سر این مسائل ادامه دارد که: آیا ملکوت امری است اجتماعی و به صورت یک تحول و انقلاب بزرگ جهانی به وقوع خواهد پیوست؟ آیا تحقق آن به تدریج و با پرورش اخلاقی و تکاملی روحی مؤمنین حاصل می‌گردد؟ و آیا چون مسیحیان بنیادگرا باید آنچه را که در کتاب مقدس آمده است عیناً با همان الفاظ و به همان معانی ظاهری پذیرفت و منتظر رجعت عیسی و وقوع تام علام آن بود؟ پاسخ این سوالات تا حدودی در بحث تحلیل و گونه شناسی اندیشه‌های منجی گرا روشن خواهد شد.

**منجی آخرالزمان در کتب مقدس هندیان:**

گرچه آئین هندوئیسم در زمره ادیان الهی توحیدی به شمار

است: دوران نخستین دورانی است خشن، زیرا که دارمه (Dharma) (قانون عدالت و پرهیزگاری) نیرومند است، اما در ادوار بعدی دارمه رو به زوال می‌گذارد. دوران چهارم کالی یوگا (دوران تاریک) نامیده می‌شود، دورانی که دارمه بسیار ناتوان است و مردم از انجام دادن وظایفشان قصور می‌ورزند و در پی تقوا نیستند. جهان به طور دائم در کالی یوگایی به سر می‌برد که از موقعی که دارمه به کلی ناتوان گشت شروع شده است، چنین جهانی نابود می‌گردد و دوباره آفریده می‌شود تا یک دوران طلایی جدید آغاز شود. این چهار دوران با هم، یک مانواتارا یا "زندگی منو" نامیده می‌شود (شاتوک، ۱۳۸۰: ۷۵).

البته زمان دهمین و آخرین تجلی ویشنو هنوز فرا نرسیده است و در آخر الزمان به وقوع می‌پیوندد. قبل از ظهور او زندگانی اجتماعی و معنوی به نازل ترین حد نزول می‌کند و موجبات زوال نهایی را فراهم می‌سازد. فرومانروایان رعایای خود را می‌کشند و مردمان همسایگان خود را آزار می‌دهند و هیچ چیز معنوی را ارزشی نیست. حتی برهمنان را یاری خاموش کردن مردمان نیست و آنان نیز به راه خود می‌روند. مردمان جویای زرو زورند و حقیقت و عشق از زمین ناپدید و دروغ معیار همه چیز خواهد بود. شعائر مقدس آئینی ناپدید می‌شود، شست و شو تنها بخاطر پاکیزگی انجام می‌گیرد، رضایت متقابل جای مراسم ازدواج را می‌گیرد، گرافه گویی و لاف زدن جای آموختن را فرا می‌گیرد، دزدان و غارت گران قوانین فرمانروایی را وضع می‌کنند و خود فروانروا می‌شوند در این موقع است که او خواهد آمد (همان: ۱۲۶).

هندوان معتقدند که ویشنو در آخرین تجلی خود یعنی در دفعه دهم به صورت کالکی ظاهر خواهد گردید او برای نجات عالم می‌آید و در حالیکه شمشیری از آتش در دست دارد و بر پشت اسب سفیدی سوار است قیام می‌کند تا حق را برقرار و باطل را محو سازد و آن وقت مرحله چهارم دور زمان است و از آن پس دنیا به آخر خواهد رسید (بی.ناس، ۱۳۸۰: ۲۸۳).

حال مرور مختصری بر برخی فقرات کتب مقدس هندوان:  
۱- در کتاب «ریگ ودا» یکی از چهار کتاب مقدس وداها (Vedas) چنین آمده: "ویشنو در میان مردم ظاهر می‌گردد... او از همه کس قویتر و نیرومندتر است... در یک دست ویشنو (نجات دهنده) شمشیری بمانند ستاره دنباله‌دار و در دست دیگر انگشتری درخشانده دارد، هنگام ظهور وی خورشید و ماه تاریک می‌شوند و زمین خواهد لرزید"

۲- بشارت ظهور منجی آخرالزمان در کتاب اوپانیشادها:  
در کتاب «اوپانیشادها» که یکی از کتب معتبر و از منابع هندوها به شمار می‌رود، بشارت ظهور منجی موعود چنین آمده است: «این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می‌شود و شریکان را تماما هلاک می‌سازد، و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد... این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد» (اوپانیشادها، ۱۳۹۸ ه.ق، ج ۲: ۶۳۷).

۳- در کتاب «باسک» از کتب مقدسه هندیان چنین آمده: "دور دنیا تمام شود به پادشاهی عادل در آخر الزمان که پیشوای ملانکه و پریان و آدمیان باشد. و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریاها و زمینها و کوهها، پنهان باشد همه را بدست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد خبر می‌دهد، و از او بزرگتر کسی بدنیا نیاید" (به نقل از بشارت عهدین، صادقی: ۲۴۶).

۴- در کتاب «بهگود گیتا» از کتب مقدسه هندو آمده است: "آنجا که نیکو کاری از رونق برافتد و تبه کاری بالا گیرد

من در قالب تن مجسم شوم و در میان مردم آیم  
تا اساس خیر نگهبانی کنم و شر براندازم  
من در هر دور پیدا آیم تا آیین راستی برقرار سازم" (گیتا: گفتار چهارم).

۵- در کتاب «دید» از کتابهای مقدسه هندیان چنین آمده: «پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او منصور (جالب است که در

هندوستان، از ریشه بودیزم متفرع شده و رشد و تکامل حاصل کرد. یک سلسله اساطیر در متن کتابی قدیمی به نام جاتکه در نزد پیروان مهاییانه به وجود آمد که در ضمن آن چگونگی زندگانی بودا و وصول او را به مرتبه کمال، تا زمان صعود او به آسمان حکایت می‌کند. این طایفه بر آنند که بودا در اثنای ایامی که به سیر و سلوک مشغول بوده تا آن لحظه که به مرتبه اشراق و کمال رسیده حالتی داشته مخصوص به خود که آن را "بودهی ستوه" (Bodhisattva) می‌نامند. این اصطلاح، که در متون بسیار قدیم آمده، به معنای "بودا در حال کمون یا بودای مستور" می‌باشد. از این رو پیروان فرقه مهاییانه و حتی فرقه هینایانه (Hinayana) (چرخ کوچک) هم معتقد شدند که گوتمه تنها بودایی نبود که در زمین ظهور یافته باشد بلکه قبل از او بوداهای متعدد به جهان آمده اند و بوداهای دیگر نیز در آسمان هستند که در حال کمون و تکوینند، یعنی "بودی ستوه" می‌باشند که عن قریب ظاهر می‌شوند. کار به جایی رسیده که پیروان این طایفه اسامی و حتی سرگذشت‌های بوداهای ماضی و بوداهای مستقبل را بتفصیل به قلم آورده‌اند (جان‌بی‌ناس، ۱۳۸۰: ۲۱۶).

در مذهب مهاییانه، برای بودهی ستوه‌ها اهمیت زیادی قایل شده‌اند، ولی در کتب و نوشته‌های هینایانه (چرخ کوچک) فقط دو بودا از این قبیل ذکر می‌کنند که یکی عبارت است از "گوتمه" (Gautama)، قبل از وصول به مرتبه اشراق و شهود و دیگری بودای آینده یا "میتریه" که اکنون بودائیت او در حال کمون است. "میتریه" (Maitreya)، که بودای آینده است (و او را به زبان چینی می‌لوفو می‌نامند)، یکی از آن بودهی ستوه‌ها می‌باشد. میتریه را نخست در هند به بزرگی شناختند و ستایش کردند و سپس عقیده به او به دیگر ممالک پیرو مهاییانه سرایت کرد و از او، همه جا، تمثالها و پیکرها ساخته و پرداخته و او را در نهایت مجد و بزرگی نشان داده‌اند (همان: ۲۲۶).

در کتاب مهاوستو از کتب مقدس مکتب هینایانه در مورد

برخی روایات اسلامی "منصور" را یکی از اسامی مبارک حضرت مهدی (عج) معرفی شده است، از جمله در ضمن حدیثی از امام باقر (ع) روایت شده است که: "القائم منا منصور بالرب، موید بالنصر، تطوی له الارض، و تظهر له الكنوز، و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲: ۱۹۱) باشد. تمام عالم را بگیرد، و به دین خود آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا بخواهد بیاورد. در کتاب «وشن جوک» چنین می‌خوانیم: "سرانجام دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست دارد و ازبندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد" (به نقل از بشارت عهدین، صادقی: ۲۴۵).

۶- در کتاب «پایتکل» از کتب مقدسه هندیان چنین آمده است: "چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب فلک تازه پیدا شود، از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخرالزمان و دیگر وصی بزرگتر وی که "پشن" نام دارد، و نام آن صاحب فلک تازه "رهنما" است به حق پادشاه شود و خلیفه "رام" باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد (به نقل از پیشین: ۲۴۶).

۷- در کتاب «وشن جوک» که از کتب مقدس جوکیان هندو است در مورد منجی آخرالزمان و رجعت گروهی از اموات در دوران حکومت عدالت گستر آن حضرت می‌خوانیم: آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می‌دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او "خجسته" و "فرخنده" باشد. خلق را که دین‌ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده‌اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند و عالم را نو گرداند و هر بدی را سزا دهد (همان: ۲۷۲).

#### منجی آخرالزمان در آئین بودا:

در آئین بودیسم که پیروان زیادی در چین و ژاپن و سایر کشورهای آسیای جنوی شرقی دارد، اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان وجود دارد، خصوصاً در فرقه مهاییانه (Mahayana) (چرخ بزرگ) که در طول مدت زمانی بین قرن سوم ق.م، تا قرن اول میلادی در ناحیه شمال غربی

شرایط ظهور موعود می خوانیم: "در آن زمان، چرخه وارو می گردد پس زندگی متحول می شود تا آنجا که متوسط عمر مردم به هشتاد هزار سال می رسد. با این عمرهای طولانی و زمینه مناسب برای تعلیم بودا یک چکره ورتین یا "راهنما" خواهد آمد. او برای مردم رفاه و بهروزی می آورد و آموزه های بودا را ترویج می کند آنگاه که چنین فضایی بهشت گون فراهم آمد، میتریه از آسمان توشیته نزول می کند، بودایی خویش را به کمال می رساند درمه را به فرهیختگان می آموزد" (Encyclopedia of World Religions, Merriam-Webster, 9th edition, P.136).

### تحلیل و گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام

منجی موعود در معنای عامش از خصایص اعتقادات و باورهای بشری است، تقریباً قوم و مردمی را نمی بینیم که به نوعی در سر این سودا را نداشته باشند. اما نگاه مردمان به افق تاریخ از یکدیگر متفاوت است و به تبع، موعودشان گوناگون. پس دو کار باید کرد: یکی اینکه موعود ملل و ادیان را بر اساس منابع خودشان باز شناسیم (که تا حدودی به آن پرداخته شد) و دیگر اینکه گونه های اصلی این باور را معلوم نماییم. در این تحلیل پس از طرح برخی گونه ها و انواع اصلی این اندیشه، تلقی های مختلف از موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام را در این گونه ها دسته بندی و تحلیل نماییم.

گونه های اصلی منجی باوری:

الف- در نخستین نگاه، منجی موعود در اغلب دینها و فرهنگها به صورت موعود نجات بخش جمعی و نه فردی، که غالباً در پی نجات عموم افراد بشر است نمودار می شود. اما موعود نجات بخش جمعی خود می تواند سه نوع عملکرد داشته باشد که عبارتند از:

۱. نجات بخشی صرفاً اجتماعی (اصلاح بنیانهای اجتماعی، فراهم آوردن رفاه، آزادی اجتماعی و برپایی حکومت عدالت محور).

۲. نجات معنوی انسانها و سکوت در باب وضعیت

### اجتماعی.

۳. نجات اجتماع توأم با رستگاری معنوی انسانها.

ب- از طرف دیگر موعود نجات بخش جمعی یا قوم مدار است یعنی سامان بخشی و اصلاح وضعیت قوم و ملت خاصی راهبردار است و یا جهانشمول است یعنی حاکمیت عدالت و امنیت را برای همه جهانیان وعده می دهد.

ج- در نگاهی دیگر، موعود ادیان گاهی شخص مشخص (دارای شجره و ویژگی های معین و منصوص) است و گاهی وجودی غیر شخصی است (که رسالت او در نصوص مشخص است اما ویژگی های شخصی او معلوم نیست). (این مطلب در تعبیرات اسلامی با مهدویت شخصیه و مهدویت نوعیه مطرح می شود).

همچنین در فرهنگها و دینهای دارای موعود شخصی گاه برای این شخص جنبه الوهی نیز قائل اند (مانند حضرت مسیح در مسیحیت) و گاه او را صرفاً بشری برجسته و ممتاز می شمارند (موحدیان عطار، ۱۳۸۸: ۲۳ و ۲۲).

بر اساس این گونه شناسی کلی، به تحلیل و تطبیق مصادیق منجی موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام می پردازیم.

در آئین زرتشت: موضوع موعود با مفهوم سوشیانت گره خورده است. این مفهوم، فی الجمله، اشاره به کسانی دارد که به نوبت در رأس هر هزاره از آخرین سه هزاره دوران عالم می آیند تا پلیدی را ریشه کن و جهان را نو کنند، مهمترین ایشان آخرین ایشان یعنی سوشیانس است. بر اساس گونه شناسی ذکر شده اندیشه منجی موعود در دین زرتشتی از رسته موعود نجات بخش جمعی است، زیرا آینده ای را نوید می دهد که تمام مردمان زمان یکجا به رهایی و آسایش می رسند. همچنین موعود زرتشتی را نمی توان نجات بخشی صرفاً اجتماعی شمرد زیرا فارغ دل از معنویت مردم نیز نیست، اما معنویتی بیشتر اخلاقی که آن را نیز در سمت و سوی آسایش و امنیت اجتماعی می خواهد. در نگاهی دیگر اندیشه منجی زرتشتی همانند موعود اسلامی، هندوئی و مسیحی اندیشه ای جهان شمول است و نه قوم مدار. همچنین



دیگری از اندیشه موعود مواجه می‌شویم (اعمال رسولان، باب ۱، بند ۱۱) و در حالت سوم، سخن از شخص دیگری است که خود عیسی مسیح وعده آمدنش را می‌دهد کسی که به عنوان "تسلی دهنده" و "روح راستی" می‌آید و عیسی را جلالت می‌بخشد و بر او شهادت می‌دهد (یوحنا، باب ۱۴، بند ۱۷). بر این پایه، مسیحیت دربر دارنده سه سنخ اندیشه موعود باوری است.

بر اساس گونه شناسی ذکر شده، گونه و چهره اول منجی در مسیحیت، نجات بخشی عیسی در عهد جدید نه با قیام اجتماعی و بر پایی حکومت و نه تنها با تربیت معنوی مردمان، تأمین نمی‌گردد بلکه با رنجی که در مقام "بنده رنج کش" به جان خرید، بار گناه نخستین را از پشت مؤمنان به خویش برداشت (اعمال رسولان، باب ۸، بند ۳۲). این تلقی مسیحیان از منجی منحصر به فرد بوده و مایه تمایز اندیشه موعود از دیگر جریان های منجی باور می‌شود.

اما در باب گونه دوم که رجعت عیسی مسیح را وعده می‌دهد گفتنی است که در عهد جدید هر چند عیسی با رنج محنت بار خویش به انتظار موعود نجات بخش (در آن زمان) پایان داد اما در اناجیل یادآوری شده است که او دوباره بر می‌گردد تا مردم را به کمال خود برساند (از جمله انجیل متی، باب ۳۷، بند ۲۴ تا ۲۷ - انجیل لوقا، باب ۱۸، بند ۱۸ و ۶۹ و باب ۲۲، بند ۱۸ و...). این مطلب شاید نجات بخشی وی در آخرالزمان را متفاوت از دیگر دینها ترسیم کند، هر چند رهاندگی معنوی مسیح عهد جدید در طی دوران و در ساز و کار ایمان به او تحقیقی مدام دارد اما باید توجه داشت که عهد جدید از سیاسی شمردن مسیح موعود و دخالت او در حکومت بر حذر است، لذا در این گونه موعود باوری ایشان از نوع نجات بخش معنوی جهان شمول و شخصی اما واجد الوهیت محسوب می‌شود.

درباره چهره سوم از موعود مسیحی به نکاتی باید توجه نمود: اولاً تلقی مسیحیان از "تسلی دهنده" و "روح راستی" همان "روح القدس" بوده است که به زعم ایشان در فقدان

منجی زرتشتی را موعودی نسبتاً شخصی می‌یابیم لیکن او از الوهیت بهره مند نیست بلکه صرفاً بشری اسطوره‌ای از نسل زرتشت است که در آخرین هزاره از عمر عالم ظهور می‌کند پس موعود باوری ایشان را باید در زمره اندیشه‌های موعودی هزاره گرا انگاشت (موحدیان عطار، ۱۳۸۸: ۵۹).

**در یهودیت:** در عهد عتیق عنوان ماشیح (مسیحا) به معنای تدهین شده خداوند و همان کسی است که روح یهوه بر او قرار می‌گیرد و با کسب این فضیلت تمام خصلت های لازم یک شاه آرمانی اسرائیل در او حاضر می‌شود، "روح خداوند بر آن شاخه قرار خواهد گرفت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و قوت، روح شناخت یهوه و ترس از او" (اشعیا، باب ۲، بند ۱۱) ماشیح تداعی کننده منجی و رهاننده ای سیاست مدار است. خصایص او در یهودیت عبارتند از: پادشاهی مورد عنایت خداوند، دین مداری عادل، فرستاده‌ای از نسل داوود (ارمیا، باب ۲۵، بند ۱۷) و فرمانروای همه عالم (زکریا، باب ۱۰، بند ۹). بنابر باور یهود، آنگاه که مسیحا بیاید پادشاهی خدا بر زمین مستقر می‌شود و همه ملت‌ها به اورشلیم باز خواهند گشت (اشعیا، باب ۱۴، بند ۴۵) و عصر طلایی سلطه قوم یهود بر جهانیان آغاز خواهد شد. در رده‌بندی موعود باوری یهود، شاید بایسته این باشد که آن را از گونه اندیشه موعود نجات بخش جمعی قوم مدار بینگاریم که بیشتر دغدغه بازگردانی سروری و رونق دنیای قوم یهود را در سر دارد و کمتر به نجات و رستگاری معنوی می‌اندیشد. همچنین موعود ایشان اگرچه فردی یهودی است اما چون ویژگی‌های شخصی او معین نیست لذا غیر شخصی (نوعیه) و فاقد الوهیت می‌باشد (موحدیان عطار، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

**در مسیحیت:** اندیشه موعود در مسیحیت به سه گونه نمودار گشته است: در یک گونه خود عیسی ناصری نقش منجی نجات بخش را ایفا کرده و انتظار را پایان می‌بخشد (موحدیان عطار، ۱۳۸۸: ۲۴۳). در چهره دیگر، با نوید رجعت عیسی به مثابه "داور جهان" در آخرالزمان با سنخ

بدین سان موعود هندو موعودی (شخصی) و دارای جنبه الوهی است. به لحاظ کارکرد، به نجات جمع می‌اندیشد و رسالتی معنوی و اجتماعی بر عهده دارد. اندیشه موعود مبنی بر آیین هندو به هیچ روی "قوم مدار" نیست و "جهانشمول" است (پیشین: ۷۷).

در آئین بودا: اندیشه منجی موعود در بودیسم با مفهوم میتریه تبیین می‌گردد. میتریه واژه‌ای است از سنسکریت به معنای مهربان. در الاهیات بودایی او را بودای پنجم و آخرین بودا از بوداهای زمینی می‌دانند که هنوز نیامده است اما خواهد آمد تا همگان را نجات دهد. او را در نماد نگاری بودایی به هیبت مردی در وضعیت نشسته ولی آماده برخاستن نمایش می‌دهند تا نمادی باشد از آمادگی وی برای قیام. در کتاب مهاوستو از متون فرقه هینه یانه (چرخ کوچک) که به تاریخ سریلانکا می‌پردازد، روزشمار حوادث مربوط به قیام میتریه به وضوح گفته شده است (بی ناس، ۱۳۸۰: ۲۲۶).

بر اساس گونه شناسی، منجی موعود بودائی، نجات بخشی معنوی است و اهداف اجتماعی بالاصاله مورد توجه او نیست. همچنین او موعودی شخصی و دارای خصایص "بشری- الوهی" است. از آنجا که رسالت بودای پنجم مربوط به نجات قوم و ملت خاصی نیست شاید بتوان رسالت او را جهان شمول دانست (موحدیان عطار، ۱۳۸۸: ۱۲۷ و ۱۲۶).

#### نتیجه

از خلاصه مطالب یاد شده به این نتیجه می‌رسیم که انتظار مصلح غیبی به مسلمانان (خصوصاً شیعیان) اختصاص ندارد، بلکه در تمامی مذاهب و ادیان موجود و مشترک است، چرا که: زرتشتیان در انتظار ظهور سوشیانس، یهود در انتظار ماشیح و مسیحیان در انتظار بازگشت حضرت عیسی و پسر انسان می‌باشند. هندوها به امید ظهور کلکی و بودائیان منتظر آمدن بودای پنجم می‌باشند.

البته گونه‌های اعتقاد به منجی آخرالزمان در ادیان با یکدیگر متفاوت است. از جمله در یک تقسیم بندی اولیه،

مسیح خلاً او را پر می‌کند و کلیسا را به همه راستی‌ها هدایت می‌نماید. نکته دوم، به دریافت و استفاده مسلمین از مفاهیم یاد شده مربوط می‌شود. مسلمانان دو نحوه برداشت از این مفاهیم دارند، برخی اینها را بشارت آمدن نبی خاتم (ص) شمرده‌اند و برخی دیگر با قرار دادن این مفاهیم در کنار سایر فرازهای کتاب مقدس در باب "پسر انسان" و بشارت به ظهورش در آخرالزمان، همه را بر مهدی موعود (عج) منطبق می‌سازند.

اما در جمع بندی کلی موعود آخرالزمان مسیحی در زمره موعودهای صرفاً معنوی جای می‌گیرد. همچنین اندیشه موعود باوری ایشان "هزاره گرا" نیز هست. هنوز هم بسیاری از مسیحیان آمدن مسیح را در رأس هزاره‌ها انتظار می‌کشند و برای آن تدارک می‌بینند (همچنان که در آغاز سال ۲۰۰۰ میلادی میلیون‌ها مسیحی خود را آماده ظهور آن حضرت کردند). از طرف دیگر موعود مسیحی، موعودی شخصی اما دارای جنبه الوهی است. قابل ذکر است که عیسی ناصری در چهره اول اندیشه موعود در مسیحیت بیشتر در هیبت نجات بخشی شخصی و معنوی ظاهر می‌شود اما در چهره دوم یعنی رجعت مسیح به عنوان داور جهان در غالب نجات بخشی جمعی ظهور می‌نماید و در این حالت کارکرد او آشکارا جهان شمول و فراگیر خواهد بود (موحدیان عطار، ۱۳۸۸: ۲۳۴).

در آئین هندو: اندیشه موعود در آئین هندو با شخصیت کالکی شکل می‌گیرد که در آخرالزمان ظهور می‌کند، در آن دوره سراسر جهان را ظلم و تاریکی فرا می‌گیرد، ناشایستگان بر جان و مال مردم مسلط می‌شوند، و در پایان چنین دوران سیاهی، دهمین و آخرین تنزل (اوتاره) ویشنو که کالکی نام دارد، سوار بر اسبی سفید و با شمشیری آخته و شهابگون، ظهور می‌کند تا شرارت و ظلم را ریشه بر کند و عدالت و فضیلت را برقرار سازد (بی ناس، ۱۳۸۰: ۲۸۳).

در بهگوته پورانه آمده است: "فرمانروایی وی عالمگیر خواهد شد و رسالتش احیای درمه یا قانون و ناموس حقیقت و عدالت است" (به نقل از موحدیان عطار، ۱۳۸۸: ۷۲).

می‌خورد و در این دنیای تاریک از ظلم و فساد دروازه‌ای را به سوی نور امید و نوید ظهور مصلح جهانی بر دل جهانیان می‌گشاید.

#### منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اناجیل اربعه. (۱۳۷۵). ترجمه از میر محمد باقر بن اسماعیل حسنی خاتون آبادی، به کوشش رسول جعفریان، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- ۳- اوستا. (نامه مینوی آیین زرتشت). از گزارش استاد ابراهیم پور داوود، به کوشش جلیل دوستخواه، تهران: انتشارات مروارید.
- ۴- اوپانیشادها. (تهران ۱۳۹۸ ه.ق). ترجمه محمد دارشکوه (از متن سانسکریت، ج ۲).
- ۵- بندهش ایرانی. (۱۳۶۱). ترجمه فرنیغ دادگی، گزارش مهرداد بهار، تهران: انتشارات توس.
- ۶- کتاب مقدس. (عهد عتیق و عهد جدید). (۱۹۸۷) مترجم انجمن کتاب مقدس، تهران.
- ۷- گات ها، سروده‌های زرتشت. (۱۳۸۲). ترجمه موبد فیروز آذرگشسب، تهران: انتشارات فروهر.
- ۸- گزیده‌های زاداسپریم. (۱۳۶۶). ترجمه محمد تقی راشد محصل، تهران: نشر مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۹- گیتا. (بهگود گیتا). یا سرود خدایان (۱۳۷۴)، ترجمه محمد علی موحد، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
- ۱۰- ابراهیم، علیرضا. (۱۳۸۱). مهدویت در اسلام و دین زرتشت، تهران: انتشارات باز.
- ۱۱- ایونس، ورونیکا. (۱۳۷۳). اساطیر هند، ترجمه باجلان فرخی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۱۲- بویس، مری. (۱۳۸۱). زرتشتیان باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۳- بویس، مری. (۱۳۷۶). تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: انتشارات توس، چاپ دوم.
- ۱۴- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۷۴). سوشیانس، تهران: انتشارات

ایمان به ظهور آخرین مصلح غالباً به گونه جمعی است اما خود گونه جمعی می‌تواند واجد سه نوع عملکرد باشد که عبارتند از نجات بخشی صرفاً اجتماعی، صرفاً معنوی و یا اصلاح اجتماعی و معنوی توأمان. همچنین موعود جمعی، گاهی قوم گرا است و برای نجات ملت خود تلاش می‌نماید و یا اینکه رسالتی عمومی و جهان شمول را پی می‌گیرد. در تقسیم بندی دیگر موعود ادیان گاهی شخص مشخص است (شخصی) و گاهی غیر مشخص (نوعی) است که در حالت شخصی گاهی این شخص صرفاً مشخصات یک بشر مصلح را دارد و گاهی واجد جنبه الوهی نیز است.

بر اساس این گونه شناسی می‌توانیم در ادیان قبل از اسلام بگوئیم:

در آئین زرتشت، منجی موعود نجات بخشی است که رسالتی اجتماعی - معنوی و جهان شمول را بر دوش دارد، او موعودی شخصی است که در هزاره آخر عمر جهان ظهور می‌نماید.

در یهود، موعود صرفاً در صدد اصلاح جامعه به نفع قوم یهود، یعنی قوم گرا و همچنین غیر شخصی (نوعی) و بشری است.

در مسیحیت سه گونه باور به موعود دیده می‌شود اما به طور کلی، موعود ایشان صرفاً کارکردی معنوی ولی جهان شمول دارد، شخصی اما واجد جنبه الوهی است که احتمال ظهورش در رأس هر هزاره داده شده است.

در آیین هندو، موعود شخصی اما واجد جنبه الوهی است که احتمال ظهورش در دوران چهارم عالم داده شده است. او واجد رسالتی اجتماعی - معنوی و جهان شمول است.

در آیین بودا، موعود نجات بخش صرفاً کارکرد معنوی دارد همچنین آنها معتقد به موعود شخصی دارای خصایص بشری - الوهی که واجد رسالت جهان شمول است هستند.

بدین ترتیب اعتقاد مشترک به آمدن منجی موعود و بنیان‌گذار حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی، در ابعاد بسیار گسترده در کتب مقدسه و ادیان بزرگ به چشم

۲۷- هاکس، جیمیز. (۱۳۷۷). قاموس کتاب مقدس، تهران:

انتشارات اساطیر.

28-*Encyclopedia of world religions* (1998), edited by Doniger, W., 9<sup>th</sup> edition, Merriam-Webster, United States.

29-*The world religions reader* (2000), edited by Becherlegge, G., 2<sup>nd</sup> edition, Routledge, Great Britain.

30-*Encyclopedia of Millennialism and Milleial of Movements* (2000), edited by Landers, R., Routledge, New York.

فروهر.

۱۵- حکیمی، محمدرضا. (۱۳۷۶). خورشید مغرب، تهران:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دهم.

۱۶- دانیلو، ژان. (۱۳۸۳). ریشه های مسیحیت در اسناد بحر

المیت، ترجمه علی مهدی زاده، قم: نشر ادیان .

۱۷- شایگان، داریوش. (۱۳۴۶). ادیان و مکتبهای فلسفی

هند، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۸- صادقی، محمد. (۱۳۶۲). بشارت عهدین، تهران:

انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

۱۹- مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۳ ه.ق.). بحارالانوار، بیروت:

چاپ سوم.

۲۰- کای بای و دیگران. (۱۳۴۸). مجموعه مقاله از دیانت

زرتشتی، ترجمه فریدون وهمن، تهران: بنیاد فرهنگ.

۲۱- کری، ولف. (۱۳۵۸). درباره مفهوم انجیلها، ترجمه

محمد قاضی، تهران.

۲۲- گرینستون، جولوس هیلل. (۱۳۷۷). انتظار مسیحا در

آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و

تحقیقات ادیان و مذاهب.

۲۳- مشکور، محمد جواد. (۱۳۸۰). خلاصه ادیان در تاریخ

دینهای بزرگ، تهران: انتشارات شرق.

۲۴- موحدیان عطار، علی و جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۸).

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، قم: انتشارات

دانشگاه ادیان و مذاهب.

۲۵- ناس، جان بی. (۱۳۸۰). تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی

اصغر حکمت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ

یازدهم.

۲۶- هاردی، فریدهلم. (۱۳۷۶). ادیان آسیا، ترجمه

عبدالکریم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.